افق تازه تقریب در چهلمین کنفرانس وحدت اسلامی



چهلمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی را می‌توان نه صرفاً یک رویداد سالانه در تقویم تقریب، بلکه فرصتی برای بازاندیشی در نسبت میان «وحدت» و واقعیت‌های متحول جهان اسلام دانست. اهمیت این دوره بیش از آنکه در تعداد مهمانان، مقالات و نشست‌ها خلاصه شود، در این پرسش نهفته است که پس از چهار دهه طرح گفتمان تقریب، جهان اسلام چگونه می‌تواند از مرحله همدلی و گفت‌وگو به مرحله همکاری پایدار و سازمان‌یافته عبور کند.

بیانیه پایانی کنفرانس نیز در میان موضوعات مختلف خود، به‌صراحت بر ضرورت خروج وحدت از سطح گفتار و مناسبت‌های سالانه و تبدیل آن به رویکردی عملی در روابط میان ملت‌ها و دولت‌های اسلامی تأکید کرده است. همین گزاره می‌تواند نقطه عزیمت مهمی برای فهم مرحله جدید تقریب باشد.

مسئله امروز تقریب، کمبود ادبیات نیست

در طول دهه‌های گذشته، درباره ضرورت وحدت اسلامی بسیار گفته و نوشته شده است. مفهوم امت واحده،

مشترکات مذاهب، اخلاق اختلاف، گفت‌وگوی میان عالمان و مقابله با تفرقه، اکنون بخشی تثبیت‌شده از ادبیات تقریب است. بنابراین، چالش اصلی امروز را نمی‌توان صرفاً در ضعف نظریه‌پردازی درباره وحدت جست‌وجو کرد.

مسئله اساسی، فاصله میان ایده و سازوکار است.

ممکن است عالمان مذاهب در یک نشست مشترک بر وحدت تأکید کنند، اما این تأکید زمانی به یک واقعیت اجتماعی تبدیل می‌شود که در مدرسه و دانشگاه، رسانه، تولید علم، ارتباطات نخبگانی، اقتصاد، فرهنگ و مناسبات میان جوامع مسلمان نیز آثار خود را نشان دهد. وحدت هنگامی از یک ارزش مطلوب به یک راهبرد پایدار تبدیل می‌شود که برای آن نهاد، شبکه، برنامه، شاخص ارزیابی و استمرار عملی تعریف شود.

از این منظر، مهم‌ترین دستاورد چهلمین کنفرانس می‌تواند باز کردن مسیر برای مرحله‌ای تازه از فعالیت‌های تقریبی باشد: مرحله معماری همکاری اسلامی.

تقریب باید از «رویداد» به «شبکه» تبدیل شود

یکی از ظرفیت‌های مهم کنفرانس امسال، گستره جغرافیایی و علمی مشارکت‌کنندگان بود؛ حضور شخصیت‌هایی از ده‌ها کشور، صدها مقاله و برگزاری نشست‌های غیرمتمرکز و وبینارهای جانبی نشان می‌دهد که تقریب دیگر محدود به یک گردهمایی مرکزی نیست.

اما گام بعدی این است که این گستره به یک شبکه پایدار تبدیل شود.

اگر اندیشمندی از یک کشور در کنفرانس وحدت حضور می‌یابد، ارتباط او نباید با پایان مراسم خاتمه پیدا کند. می‌توان میان عالمان، دانشگاهیان، مراکز پژوهشی، جوانان، رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی کشورهای اسلامی شبکه‌هایی ایجاد کرد که در طول سال فعال باشند و پروژه‌های مشترک تعریف کنند.

در چنین الگویی، کنفرانس دیگر نقطه پایان فعالیت تقریبی نیست؛ بلکه نقطه آغاز یک چرخه همکاری است.

وحدت در میدان اجتماعی آزموده می‌شود

یکی از نکات مهم بیانیه پایانی، تأکید بر این است که اختلافات مذهبی، فقهی و کلامی باید در چارچوب اجتهاد، گفت‌وگوی علمی و اخلاق اختلاف باقی بماند و به نزاع اجتماعی تبدیل نشود.

این نکته، یک ضرورت عملی جدی را پیش روی جریان تقریب قرار می‌دهد. تقریب تنها در سطح نخبگان معنا پیدا نمی‌کند. اگر ادبیات تقریب در جامعه، مدرسه، دانشگاه و فضای رسانه‌ای بازتولید نشود، فاصله میان گفت‌وگوی نخبگان و رفتار اجتماعی باقی خواهد ماند.

از همین رو، یکی از مأموریت‌های آینده می‌تواند توسعه «سواد تقریبی» در جوامع اسلامی باشد؛ یعنی آموزش مهارت شناخت مذاهب، گفت‌وگوی محترمانه، تفکیک اختلاف علمی از خصومت مذهبی و مقابله با ادبیات تکفیری و نفرت‌پراکن.

در اینجا نقش رسانه‌ها اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. مبارزه با تفرقه فقط با محکوم کردن توهین و تکفیر ممکن نیست؛ باید روایت جایگزین تولید کرد؛ روایتی که مسلمانان را نه بر اساس مرزبندی‌های فرقه‌ای، بلکه بر اساس اشتراکات اعتقادی، تاریخی، اخلاقی و منافع مشترک آنان بازتعریف کند.

از همبستگی عاطفی به منافع مشترک

یکی دیگر از نکات قابل توجه بیانیه، پیوند دادن وحدت با همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و امنیتی است.

این نگاه، تقریب را از یک مفهوم صرفاً فرهنگی فراتر می‌برد.

همگرایی زمانی پایدار می‌شود که جوامع مسلمان احساس کنند همکاری با یکدیگر، برای آنان منفعت واقعی ایجاد می‌کند. همکاری علمی میان دانشگاه‌های کشورهای اسلامی، پروژه‌های مشترک فرهنگی، تبادل استاد و دانشجو، تولید مشترک آثار رسانه‌ای و علمی، ارتباط میان نخبگان و حتی همکاری‌های اقتصادی می‌تواند به وحدت «منافع مشترک» ببخشد.

در واقع، آینده تقریب تنها با افزایش تعداد نشست‌ها تضمین نمی‌شود؛ بلکه با افزایش تعداد

پیوندهایی که پس از نشست‌ها باقی می‌مانند ساخته خواهد شد.

امنیت جهان اسلام؛ آزمونی برای بلوغ گفتمان وحدت

بیانیه پایانی همچنین از ضرورت بازنگری در مناسبات امنیتی و دفاعی جهان اسلام سخن گفته و بر ظرفیت کشورهای اسلامی برای ایجاد ترتیبات امنیتی بومی و مستقل تأکید کرده است.

این بخش از بیانیه را می‌توان یکی از نشانه‌های عبور گفتمان وحدت از سطح فرهنگی به سطح راهبردی دانست. جهان اسلام امروز با بحران‌هایی مواجه است که مرزهای مذهبی را درنوردیده‌اند. جنگ، اشغالگری، افراط‌گرایی، بی‌ثباتی سیاسی و وابستگی امنیتی، هیچ مذهبی را به‌تنهایی هدف قرار نمی‌دهد و راه‌حل آنها نیز نمی‌تواند در چارچوب رقابت‌های فرقه‌ای جست‌وجو شود.

بنابراین، تقریب در مرحله جدید خود باید بتواند میان «وحدت مذهبی» و «همکاری راهبردی» پیوند برقرار کند؛ پیوندی که البته بدون احترام به استقلال کشورها و تفاوت دیدگاه‌های سیاسی آنان امکان‌پذیر نخواهد بود.

چهلمین کنفرانس؛ آغاز یک مرحله، نه پایان یک دوره

چهلمین دوره کنفرانس وحدت اسلامی از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند یک تغییر رویکرد را نمایندگی کند: عبور از این پرسش که «چرا باید متحد باشیم؟» به این پرسش که «چگونه می‌توانیم متحد عمل کنیم؟»

پاسخ به پرسش دوم، نیازمند طراحی سازوکارهای مشخص است: شبکه‌های علمی و نخبگانی، برنامه‌های مشترک میان مراکز اسلامی، همکاری رسانه‌ای، طرح‌های فرهنگی مشترک، گفت‌وگوهای منظم میان مذاهب و سازوکارهایی برای مدیریت بحران‌های فرقه‌ای.

در چنین چارچوبی، پیام اصلی چهلمین کنفرانس را می‌توان در یک گزاره خلاصه کرد: وحدت اسلامی اکنون بیش از آنکه به اثبات ضرورت خود نیاز داشته باشد، به طراحی سازوکار تحقق خود نیازمند است.

چهار دهه فعالیت تقریبی، سرمایه‌ای ارزشمند از تجربه، ارتباطات و ادبیات مشترک فراهم کرده است.

مرحله آینده باید این سرمایه را به «ظرفیت همکاری» تبدیل کند. اگر چنین تحولی رخ دهد، کنفرانس وحدت از یک گردهمایی نخبگانی فراتر خواهد رفت و به یکی از حلقه‌های یک شبکه بزرگ‌تر برای همگرایی جهان اسلام تبدیل خواهد شد؛ شبکه‌ای که در آن اختلافات به رسمیت شناخته می‌شوند، اما اختلاف به دشمنی تبدیل نمی‌شود و اشتراکات، مبنای همکاری برای آینده قرار می‌گیرند.

این شاید مهم‌ترین معنایی باشد که می‌توان از چهلمین کنفرانس وحدت برای آینده تقریب دریافت: آینده وحدت اسلامی نه در حذف تفاوت‌ها، بلکه در تبدیل تفاوت‌های مدیریت‌شده به همکاری‌های پایدار ساخته می‌شود.